



نشریه علمی علم و تمدن در اسلام

سال پنجم/ شماره بیستم/ تابستان ۱۴۰۳



doi: 10.22034/icrs.2024.485403.1301

مؤلفه‌های تمدن‌ساز در اندیشه امام موسی صدر

محمد زرقانی<sup>۱</sup>/ محمد رضا محمودی<sup>۲</sup>شریف لک زایی<sup>۳</sup>/ سید محمد حسینی<sup>۴</sup>

## چکیده

در عصر حاضر با ظهور انقلاب اسلامی ایران مباحثی همچون ایجاد تمدن نوین اسلامی و نقد تمدن مدرن غرب بیش از پیش در جوامع اسلامی مطرح شده است؛ بنابراین انجام پژوهش‌هایی برای تحلیل زوایای اندیشه‌ی اسلام تمدنی ضروری است. در این مقاله با رویکرد تمدنی و به روش توصیفی و تحلیلی اندیشه امام موسی صدر به عنوان الگویی موفق در عرصه‌ی نظریه پردازی و کنش‌گری تمدنی مورد تحلیل قرار گرفته است و مؤلفه‌های تمدن‌ساز اسلام از منظر ایشان بیان شده‌اند. این مؤلفه‌ها عبارتند از: الف) دین اسلام با توجه به فرهنگ متعالی‌اش هدایت‌گر انسان به زندگی عقلانی است و همانطور که در گذشته تمدن‌ساز بوده در آینده نیز می‌تواند تمدن‌ساز باشد. ب) روابط اخلاقی و توأم با معنویت با ایجاد انسجام اجتماعی موجب شکل‌گیری تمدن خواهد شد. ج) علم به معنای کشف قوانین و حقایق هستی برای رسیدن به آرامش و آسایش در زندگی مکمل دین برای ساختن تمدن حقیقی انسانی هستند. د) حضور مؤثر، کارآمد و انسان‌محور زنان در جامعه و خانواده برای سازندگی و تعالی اجتماع و تمدن پردازی. ه) عدالت به معنای توازن در نظام هستی و همسویی جامعه با نظم الهی آفرینش و ایجاد فرصت برابر برای شکوفایی استعدادهای انسانی به عنوان یکی از پایه‌های اصلی ایدئولوژی اسلام که باید در اجتماع امتداد یابد تا به شکل‌گیری تمدن منجر شود. و) آزادی به معنای رهایی توأمان از سلطه‌ی دیگران و از هوای نفس که حدی ندارد و سازنده‌ی تاریخ و تمدن خواهد بود.

**واژه‌های کلیدی:** امام موسی صدر، تمدن اسلامی، تمدن، مؤلفه‌های تمدن، امت اسلامی.

۱. استادیار گروه تاریخ و فرق تشیع، دانشکده تاریخ، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران. (نویسنده مسئول) m.zargani@urd.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری تاریخ تشیع اثنی عشری، گروه تاریخ و فرق تشیع، دانشکده تاریخ، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران. mm1367@chmail.ir

mm1367@chmail.ir

sharif@isca.ac.ir

۳. دانشیار گروه فلسفه سیاسی، پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی، پژوهشگاه علوم و اندیشه سیاسی، قم، ایران.

sm.hosseini2@urd.ac.ir

۴. استادیار گروه تاریخ و فرق تشیع، دانشکده تاریخ، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران.

**The components of civilization in the thought of Imam Musa Sadr**mohammad zargani<sup>1</sup> / mohammad reza mahmoudi<sup>2</sup>sharif lakzaee<sup>3</sup> / seyed mohammad Hosseini<sup>4</sup>**Abstract**

with the advent of the Islamic Revolution in Iran, issues such as the creation of a new Islamic civilization and the critique of Western modernity have become increasingly prominent in Islamic societies. In this article, with a civilizational approach and a descriptive-analytical method, the thought of Imam Musa Sadr has been analyzed as a successful model in the field of civilizational theorizing and activism, and the civilization-building components of Islam from his perspective have been presented. a) Islam, with its sublime culture, guides humans to a rational life and, as it has been civilization-building in the past, it can also be civilization-building in the future. b) Moral and spiritual relationships, by creating social cohesion, will lead to the formation of civilization. c) Science, meaning the discovery of the laws and facts of existence to achieve peace and comfort in life, complements religion in building a truly human civilization. d) The effective, efficient, and human-centered presence of women in society and the family for the construction and elevation of society and civilization building. e) Justice, meaning balance in the system of existence and the alignment of society with the divine order of creation and creating equal opportunities for the development of human talents as one of the main foundations of Islamic ideology that must be extended in society to lead to the formation of civilization. f) Freedom, meaning simultaneous liberation from the domination of others and from one's own desires, which has no limit and will be the creator of civilization

**Keywords:** Imam Musa Sadr: Islamic civilization: civilization: The components of civilization: Islamic Ummah.

1 Assistant Professor, Department of History and Shiite Sects. Faculty of History. University of Religions and Denominations. Qom. Iran. m.zargani@urd.ac.ir

2 PhD student in the history of Twelver Shiism Department of History and Shiite Sects, Faculty of History. University of Religions and Denominations Qom. Iran. mm1367@chmail.ir

3 Associate Professor, Department of Political Philosophy, Research Institute of Political Science and Thought, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran. sharif@isca.ac.ir

4 Assistant Professor, Department of History and Shiite Sects. Faculty of History. University of Religions and Denominations. Qom. Iran. sm.hosseini2@urd.ac.ir

## مقدمه

در پی انقلاب اسلامی ایران و حضور اسلام در میدان سیاست، حکومت و تمدن‌سازی، گفتگوها و تأملات فکری پیرامون کارآمدی و وجود ظرفیت‌های فکری و تاریخی در اسلام برای تمدن‌سازی بیش از پیش گسترش یافته است. به ویژه اینکه با تسلط و فراگیری تمدن مدرن غرب که با ماهیت استیلاجویانه‌اش درصدد تحمیل خود به عنوان الگویی نهایی و آرمانی به انسان‌هاست - که این دیدگاه را به وضوح فوکویاما در کتاب خود بعنوان پایان تاریخ و آخرین انسان مطرح کرده است (فوکویاما، ۱۳۸۰: ۱۰) و همچنین هانتینگتون در نظریه خود مبنی بر برخورد تمدن‌ها به چالش‌های تمدنی جهان معاصر اشاره و خطوط گسل میان تمدن‌ها را خاکریزهای نبرد معرفی کرده است (هانتینگتون، ۱۳۹۶: ۴۶) - نحوه‌ی مواجهه‌ی جهان اسلام و غرب همواره دغدغه‌ی بسیاری از اندیشمندان بوده است. بنابراین انجام پژوهش‌هایی برای تبیین و تحلیل ابعاد و اضلاع تمدن اسلامی بیش از پیش ضروری است. یکی از علما و اندیشمندان معاصر که اندیشه و دغدغه‌ی ارایی الگویی متعالی و تمدنی از اسلام داشته است امام موسی صدر است که در مدت حضور ۱۹ ساله‌ی خود در لبنان (از سال ۱۳۳۸ ه.ش الی ۱۳۵۷ ه.ش) منشأ تأثیرات بسیار مهمی در جهان اسلام برای تحقق دین در عرصه‌ی سیاسی، اجتماعی و تمدنی شد. از این رو پرسش اصلی مقاله حاضر این است که مؤلفه‌های تمدن‌ساز در اسلام از منظر امام موسی صدر چیست؟

پیرامون اندیشه و عمل امام موسی صدر پژوهش‌های متعددی انجام شده است اما جنبه‌های تمدنی اندیشه وی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در مقاله‌ای با عنوان «علل ضعف تمدنی و عقب ماندگی جوامع اسلامی در اندیشه امام موسی صدر» به قلم دکتر شریف لک‌زایی (۱۳۹۸) که در مجله مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی منتشر شده است با رویکردی تمدنی اندیشه امام موسی صدر تحلیل شده است که البته ناظر به گذشته تمدن اسلامی و عوامل عقب ماندگی مسلمانان است مقاله مذکور به بررسی مؤلفه‌های تمدن‌ساز در اندیشه امام موسی صدر نپرداخته است. در مقاله‌ی دیگری به قلم همین نویسنده (۱۴۰۲) با عنوان «چیستی تمدن غرب در آرای امام موسی صدر» که در مجله مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی منتشر شده است زوایای تمدن اندیشی امام موسی صدر مورد

تحلیل و بررسی قرار گرفته که ناظر به نقد تمدن مدرن غرب است و با توجه به اقتضای مقاله به تمدن اسلامی پرداخته شده است.

### مفهوم تمدن

امام موسی صدر تمدن را مفهومی کلان‌تر و پیچیده‌تر از مدنیت و فرهنگ می‌داند و ترکیب حیات معنوی و حیات مادی انسان‌ها را تمدن می‌نامد. در حقیقت امام موسی صدر نیز مانند اغلب متفکران اسلامی بر تأثیر ارزش‌های معنوی و دینی بر زندگی دنیوی و در نهایت تمدن سازی تأکید دارد. وی در تعریف خود را از تمدن، ترکیب مدنیت و فرهنگ را تمدن می‌نامد و در تبیین دو مفهوم مدنیت و فرهنگ می‌گوید:

مدنیت و فرهنگ؛ برای تبیین این دو مفهوم باید گفت که فرهنگ، حیات معنوی انسان‌ها و شامل علوم، فنون، فلسفه، قانون‌گذاری، ادبیات و هنر است. مدنیت نیز ساحت ظاهری و جلوه بیرونی زندگی انسان‌های شهرنشین است؛ مانند سامان‌دهی، آبادانی، سازندگی، آب‌رسانی و مانند آن. تمدن ترکیبی از این دو مفهوم است، که البته با هر دوی آن‌ها تفاوت دارد. حالت‌های ذهنی و درونی انسان، هنگامی که در زندگی شخصی بازتاب می‌یابد و در ایجاد مدنیت تأثیر می‌گذارد، تمدن نامیده می‌شود. (صدر، ۱۳۹۶، ج ۱: ۳۰۴)

### عوامل تمدن ساز

#### ۱- دین و فرهنگ اسلامی

یکی از مؤلفه‌های اساسی در شکل‌گیری تمدن حقیقی از منظر امام موسی صدر دین می‌باشد. از همین منظر وی معتقد است سیر تحولات تاریخی بشر که منجر به شکل‌گیری تمدن مدرن غرب شده است مبتنی بر پیشرفت توأمان ارزش‌های انسانی و دانش نبوده است؛ زیرا تمدن غرب بر مبنای سکولاریسم و با به انزوا کشاندن ارزش‌های دینی به وجود آمده است. از این رو تمدن غرب را نمی‌توان تمدنی که سعادت را برای بشریت به ارمغان آورده است به حساب آورد و باید بار دیگر تمدنی دینی و اسلامی مبتنی بر ارزش‌های الهی و انسانی به وجود آورد. لازم به ذکر است که امام موسی

صدر فرهنگ را زندگی عقلانی تعریف می‌کند و بعد فرهنگی اسلام را مهم‌ترین و اساسی‌ترین بعد اسلام می‌داند (صدر، ۱۳۹۶، ج ۱: ۹۵). در نگاه صدر، اسلام مکتبی تمدن‌ساز و پیشرو است و بر این باور است که اسلام همان گونه که در گذشته تمدن‌ساز بوده است در آینده نیز می‌تواند تمدن حقیقی انسانی و فرهنگ نو به نو انسانی به وجود آورد و جامعه‌ی انسانی کامل یا آنچه را آرمان شهر یا مدینه فاضله می‌نامند پایه‌گذاری کند (صدر، ۱۳۹۶، ج ۳: ۳۶۴).

صدر با استناد به اندیشه مالک بن نبی فیلسوف تمدن الجزایری معتقد است فرهنگ اسلامی میراث ارزنده‌ای برای شکل‌گیری تمدن اسلامی به بشریت عرضه کرده است که می‌تواند پاسخی برای نیازهای انسان معاصر باشد (صدر، ۱۳۹۶، ج ۱: ۱۰۰). مالک، انسان، خاک و زمان را عناصر تشکیل دهنده یک تمدن می‌داند اما تصریح می‌کند وجود این عناصر به تنهایی به ایجاد تمدن منجر نمی‌شود بلکه ایجاد تمدن به «خمیر مایه تمدنی» نیاز دارد که این خمیر مایه «اندیشه دینی» است. در حقیقت «اندیشه دینی روح و کالبد تمدن» است. (الویری و مهدی نژاد، ۱۳۹۲: ۱۶۲) در واقع امام موسی صدر علاوه بر آنکه اسلام را دینی با قابلیت‌ها و ظرفیت‌های حکمرانی در یک کشور می‌داند، فراتر از آن دین اسلام را تمدن‌ساز معرفی می‌کند، به نحوی که قابلیت ایجاد کلان ساختارهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و ... جهت پاسخ‌گویی به نیازهای انبوه و متراکم بشریت «نه صرفاً مسلمانان» در اسلام و به ویژه تشیع وجود دارد. مالک بن نبی نیز معتقد است که انسانی که تفکر دینی را پذیرفته است و آنگاه آن را با عنصر «زمان» و «خاک» مرتبط می‌کند می‌تواند هماهنگی، انسجام و کنش‌گری فعالانه جهت صورت بندی تمدن جدید را فراهم کند (بابایی، ۱۳۹۳: ۲۷۷).

امام موسی صدر معتقد است دین قابلیت ساختن و آباد کردن هم زمان دنیا و آخرت را داراست، وی سازندگی دینی را محدود به ساخت مسجد و کلیسا و یا محدود به اعمال دینی چون نماز و روزه نمی‌داند، بلکه سازندگی دینی را هر آن چیزی که برآمده از تمدن انسان و نقش انسان در زندگی باشد و هر چیزی که از نتیجه‌ی فعالیت انسان در مدت زندگی‌اش باشد، تعریف می‌کند (صدر، ۱۴۰۰: ۲۲). وی معتقد است در کاروان تمدن جدید دین نقش رهبری ندارد، فرمان بردار است نه پیشوا، منفعل است نه اثر گذار، با حشمت و شکوه پشت سر این کاروان حرکت می‌کند. صدر ریشه‌ی مشکلات بشریت در جهان امروز مانند استثمار، استعمار، کشمکش، طغیان جنسی و ... را برآمده از تمدن

غرب می‌داند، همان تمدنی که بر اساس سکولاریسم و کنار گذاشتن دین از صحنه‌ی زندگی به وجود آمده است، تمدنی زمینی که آسمان را نادیده گرفته است (صدر، ۱۴۰۰: ۲۹). از این رو وی پی‌ریزی تمدنی نوین بر معیار ارزش‌های اسلامی که زمین و آسمان و ملک و ملکوت را توأمان در نظر بگیرد از الزامات ضروری جهان امروز می‌داند، تمدنی که بتواند سعادت دنیا و آخرت را توأمان فراهم کند. اما پیرامون وظیفه‌ی دین در پیشرفت بشریت، تعریف و تبیین امام موسی صدر بدیع و خلاقانه است. وی پیشرفت را تعامل و تأثیر متقابل میان انسان و جهان می‌داند و وظیفه دین را ساماندهی روابط میان انسان و جهان معرفی می‌کند (صدر، ۱۴۰۰: ۷۶). بر اساس این تعریف سه عنصر اصلی تحولات تاریخ، انسان، آفرینش و دین هستند و نقش دین به عنوان رهبر و پیشرو در این معادله در نظر گرفته شده است. از این رو دین پیشران اصلی پیشرفت و تمدن‌سازی است. وی ژرف اندیشی در جهان و دین را توأمان لازم و ضروری می‌داند و معتقد است که دین هم باید متناسب با مقتضیات زمان خود را در چارچوب اصولش به روز کند تا بتواند پاسخگوی نیازهای متراکم و انبوه انسان‌ها باشد؛ زیرا اساساً تمدن‌ها باید بتوانند پاسخگو نیازهای مادی و معنوی بشریت در مقیاس جهانی و در بازه‌ی زمانی طولانی باشند و گرنه نام تمدن بر آن‌ها نمی‌توان نهاد.

## ۲- اخلاق و معنویت

اخلاق و روابط معنوی بین انسان‌ها یکی از مهم‌ترین حوزه‌های حیات بشری است که تأثیر ویژه‌ای در تکوین تمدن‌ها دارد. ویل دورانت در کتاب تاریخ تمدن خویش به اخلاق عمومی توجه ویژه‌ای کرده است و اخلاق عمومی را در کنار اقتصاد، سیاست و علوم و فنون، یکی از مؤلفه‌های اساسی تمدن‌ها می‌داند (دورانت، ۱۳۷۰: ۲۹۸). یوکیچی اندیشمند تمدن پژوه ژاپنی نیز هنگامی که سطوح سه گانه‌ی رشد تمدن‌ها را ترسیم می‌کند در سطح سوم که آن را بالاترین سطح تمدن می‌نامد در ترسیم انسان جدید بر آراستگی توأمان به فضیلت و دانش تأکید می‌کند (یوکیچی، ۱۳۷۹: ۸۳). امام موسی صدر نیز در توضیح نقش اسلام در تربیت اخلاقی انسان‌ها بر این مسئله تأکید دارد که آموزه‌های اخلاقی اسلام موجب انسجام و استحکام اجتماعی جامعه است، آموزه‌هایی مانند مردم دوستی، بخشندگی، تواضع، خوشرویی، کتمان مشکلات، عیادت بیماران، ادب حضور، قدردانی از صالحان، نکوهش

فاسدان، حیا، عذرپذیری و ... که موجب تعالی روح و افزایش تعاون و محبت در جامعه است. در واقع اسلام به فرد این حقیقت را می‌فهماند که تو تنها نیستی و جزیی از جامعه هستی (لک‌زایی، ۱۳۸۴: ۱۹۴). آموزه‌های اخلاقی از آنجا که بر فطرت انسان‌ها بنا شده‌اند نقش پررنگی در انسجام اجتماعی جوامع دارند و طبیعی است که در جوامع بشری بین افراد انسجام و وحدت فکری کامل وجود نداشته باشد اما چنانچه به خاطر آموزه‌های اخلاقی و انسانی، انسجام اجتماعی‌شان حفظ شود این جامعه به سمت تعالی، پیشرفت و در نهایت تمدن حرکت می‌کند. بنابراین در تمدن‌سازی حفظ انسجام اجتماعی به اندازه‌ی حفظ انسجام فکری حائز اهمیت است. صدر نمونه‌های جالبی از آیات و روایات را در باب مناسبات اخلاقی اسلام نام می‌برد که می‌تواند الگویی برای جامعه‌ی فعلی مسلمانان باشد و جالب‌تر آنکه تحلیلی کلان و تمدنی از آموزه‌های اخلاقی ارائه می‌دهد مانند: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ؛ هر آینه مؤمنان برادران‌اند» (حجرات، ۱۰) یا توصیه اسلام به همدلی و همدردی بین همسایه‌ها به نحوی که به خدا و روز قیامت ایمان نیاورده است کسی که سیر بخوابد و همسایه‌اش گرسنه باشد. از این رو معتقد است: «مسئولیت مردم یک سرزمین مسئولیتی است مشترک؛ پس اگر در یک منطقه یک نفر بر اثر فقر و گرسنگی یا بیماری از دنیا رفت، خداوند به این منطقه التفاتی نمی‌کند» (لک‌زایی، ۱۳۸۴: ۱۹۳). در واقع این رهنمودهای اخلاقی در چارچوب تحلیل‌های تمدنی تفسیر شده است. برای مثال آموزه‌ی «اگر انسان سیر باشد و به فکر همسایه مظلوم و گرسنه‌اش نباشد، ایمان ندارد» به امت اسلامی تعمیم داده شد و لذا اگر کشوری از امت اسلامی در رفاه باشد و کشور همسایه‌ی آن در فقر و محرومیت به سر ببرد این وظیفه‌ی دینی و اخلاقی کشور مرفه است که به کمک کشورش محروم و مظلوم بشتابد.

امام موسی صدر حتی روابط حقوقی و فقهی که اسلام برای اداره امور اجتماع وضع کرده است نیز بر پایه‌ی اخلاق می‌داند؛ زیرا هدف نبوت آراسته شدن انسان‌ها به اخلاق الهی است. بنابراین اسلام برای دست یافتن به چنین هدفی، در زندگی عملی و اجتماعی انسان دخالت می‌کند و نظام قانونی گسترده‌ای در چارچوب حلال و حرام وضع می‌کند (صدر، ۱۴۰۱ الف: ۴۲). با این نگاه حتی مبانی فقهی و حقوقی اسلام مبتنی بر اخلاق اسلامی و در عین حال شامل تمام امور فردی و اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ... است. از این رو فقه و حقوق اسلامی هر آنچه را که برای انسان‌سازی، جامعه‌سازی و

تمدن‌سازی نیازمندیم پاسخگو است؛ زیرا از جانب خدای تعالی است که آفریننده جهان است و تمام ابعاد وجود عالم ظواهر و بواطن آن را می‌داند. هم چنین خالق انسان است و آگاه به تمام ابعاد و جودی انسان، نیازها و تمایلات او است (صدر، ۱۴۰۱ الف: ۴۳). بنابراین تشریع اسلامی این ظرفیت و قدرت را دارد تا پاسخگوی احتیاجات انسان عصر جدید خود باشد و دامنه‌ی علم فقه نیز بر حسب نیازمندی‌های کل جامعه‌ی انسانی گسترده شده است.

### ۳- علم و دانش

از مؤلفه‌های مهم در تمدن‌سازی توجه به علم و دانش می‌باشد. وجود دانشمندان برجسته و نظریه-پردازی‌های علمی و اختراعات جدید همواره جزء پیشران‌های اصلی تمدن‌ها در طول تاریخ بوده است. ویل دورانت در کتاب تاریخ تمدن یکی از عوامل مهم در شکل‌گیری تمدن‌ها را اختراع، ابداع و گسترش علوم می‌داند.

ظهور تمدن هنگامی امکان‌پذیر است که هرج و مرج و ناامنی پایان پذیرفته باشد چه فقط هنگام از بین رفتن ترس است که کنج‌کاو‌ی و احتیاج به ابداع و اختراع به کار می‌افتد و انسان خود را تسلیم غریزه-ای می‌کند که او را به شکل طبیعی به راه کسب علم و معرفت و تهیه وسایل بهبود زندگی سوق می‌دهد (دورانت، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۶).

یکی از برجسته‌ترین شاخص‌های اثبات تمدن اسلامی در قرون اولیه هجری وجود دانشمندان، نظریه-پردازان و مراکز علمی متعدد بوده است جورج سارتون از مورخان بزرگ علم در قرن بیستم به صراحت اعلام می‌کند که مسلمانان حدود ۴ قرن رهبری بلامنازع علم در جهان را بر عهده داشتند و هر ۵۰ سال را به نام یکی از دانشمندان مسلمان نامگذاری می‌کند مانند عصر جابر بن حیان، عصر خوارزمی، عصر رازی و ... (گلشنی، ۱۳۸۸: ۱۹). بی شک وجود آیات و روایات متعدد در منابع اسلامی مانند قرآن و احادیث مبنی بر فضیلت دانشمندان و ضرورت کسب علم و دانش از جمله عوامل گسترش علوم در دوران تمدن اسلامی بوده است. امام صدر معتقد است که دین بت‌ها و موانعی که سد راه علم است از میان بر می‌دارد و به علم جان دوباره می‌دهد و به آیاتی چون «بگو آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؛ تنها خردمندانند که پند پذیرند» (زمر: ۹) استناد

می‌کند. اگر در سوره‌ی علق و اولین آیاتی که بر پیامبر اکرم (ص) نازل شد تأمل کنیم تأکید بر واژگانی مانند خواندن، قلم، علم و تعلیم توجه انسان را به خود جلب می‌کند و بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که تأکید بر علم و آگاهی در رأس آموزه‌های اسلامی است و همین آموزه‌هاست که الهام بخش مسلمانان برای پیشتازی در عرصه‌ی علم و تمدن بود.

امام موسی صدر در پاسخ به پرسشی که آیا در تمدن دینی روند علم متوقف خواهد شد؟ به گوشه‌هایی از افتخارات علمی و تمدنی مسلمانان اشاره می‌کند، از ابن هیثم و نقش آن در پیشرفت علم فیزیک از ابن سینا و رازی و نقش این دو در پیشرفت پزشکی از ابوالقاسم قرطبی در جراحی و از ابوالحسن سیاح و بیرونی در اکتشافات جغرافیایی و ... نام می‌برد (صدر، ۱۳۹۶، ج ۱: ۳۱۴ و ۳۱۵) و تأکید می‌کند که در اندیشه‌ی اسلامی هیچ تعارضی بین علم و دین وجود ندارد. صدر با بیان دستاوردهای علمی مسلمانان درصدد است که با احیای هویت تمدنی جوانان مسلمان از خودباختگی که بسیاری از جوامع اسلامی در برابر تمدن غرب پیدا کرده‌اند بکاهد و با تزریق امید و اعتماد به نفس به جوانان و نخبگان اراده‌ی تمدن‌سازی مبتنی بر اندیشه‌ی اسلام تمدنی را به وجود آورد.

امام موسی صدر علم را بهترین سرمایه برای مسلمانان می‌داند و تأکید می‌کند که علم منبع قدرت است و با پیشرفت علمی می‌توان آینده را به دست آورد، آن هم در جهان امروز که به ضعیف رحم نمی‌شود (صدر، ۱۳۹۶، ج ۲: ۱۳۶). وی معتقد است که آغاز بنای علم و تمدن پیش از میلاد و از مشرق زمین بوده است و تمدن مدرن غرب نیز با بهره‌گیری از حوزه‌ی تمدنی اسلامی پی ریزی شده است و این ادعای خود را مستند به آثار مورخان بزرگی چون جورج سارتون و گوستا لوبون می‌کند.<sup>۱</sup>

یکی از مؤلفه‌های قدرت در تمدن غرب مدرن نیز دستاوردهای بزرگ علمی آن می‌باشد و جمله مشهور فرانسیس بیکن که «دانش قدرت است» راهبرد تمدنی غرب مدرن بوده است. در غرب علم را نیرومندترین عامل دگرگونی در جهان مادی و در جهان‌بینی انسان‌ها می‌دانند و وظیفه‌ی مورخ علم را بیان نیروی متمدن‌کننده و آزادی بخش علم معرفی می‌کنند (سارتون، ۱۳۸۸: ۱۳ و ۱۴) منتها به باور

۱. جورج سارتون در مقدمه‌ی خود بر کتاب تاریخ علم به این نکته اذعان می‌کند که غربی‌ها بدلیل تفکر برتری جویی خود که متأثر از فرهنگ یونانی و عبری است معمولاً علم و تمدن شرق مانند مصر، چین و بین النهرین و ... را نادیده می‌گیرند اما ریشه‌ی علوم و تمدن را باید در مشرق زمین یافت. (سارتون، ۱۳۴۶: ۱۳)

برخی تمدن پژوهان در تمدن مدرن غرب برتری علمی و فناوری برای ایجاد آسایش در زندگی بر تأمین نیازهای معنوی و روحی انسان‌ها غلبه کرده است و به عنوان معیار و شاخص اصلی برتری تمدنی غرب قرار گرفته است (بابایی، ۱۴۰۱: ۳۹). بنابراین در تمدن مدرن کشف قوانین طبیعی و انسانی و گسترش علوم با نگاه مادی و نفی عوامل غیبی همراه بوده و نهایت کاربرد علوم نیز در آسایش دنیوی منحصر شده است «برای اینکه علوم طبیعی نوین پا به عرصه‌ی وجود بگذارند ابتدا ماده کائنات باید از ویژگی مقدس خود تهی می‌گردید و دنیوی می‌شد» (نصر، ۱۳۷۹: ۱۳).

از منظر امام موسی صدر هیچ تعارضی بین علم و دین نیست و بین این دو پیوندی ابدی است و این دو سرانجام انسان و تکامل او را رقم می‌زنند (لک‌زایی، ۱۳۸۴: ۱۹۹). بنابراین امام موسی صدر علم را در کنار دین، ابزاری برای پیشرفت و تکامل تمدن بشری می‌داند. وی علم را راهی برای شناخت حقیقت می‌داند، نوری که برای دیدن واقعیت‌ها است و دین را ارتباط انسان با خدا و موجودات می‌نامد. لذا علم که کاشف حقیقت است در واقع جهان هستی را که فعل خداست، به ما می‌شناساند و با گسترش آگاهی و کشف حقایق هستی، ایمانمان ژرف‌تر می‌شود. وی رویکرد تمدن غرب در دین ستیزی را به نقد می‌کشد، و علم بدون دین را تکیه بر آب می‌داند (صدر، ۱۴۰۰: ۴۵ و ۴۶ و ۴۷). وی در جمله‌ای دقیق و پر معنا می‌گوید: «علم از انسان سرچشمه می‌گیرد. سرآغاز علم، انسان است ولی سرآغاز خود انسان، دین است» (صدر، ۱۴۰۰: ۵۶). در حقیقت آرامش روحی، معنای زندگی و درمان اضطراب‌های بشری از عهده علم بر نمی‌آید و تنها دین می‌تواند در این امور نقش آفرینی اساسی کند. بنابراین از نظر صدر تمدنی که مبتنی بر علم و دین باشد تمدنی کامل و پیشرفته است. لذا در افق تمدنی مطلوب از نظر امام موسی صدر علم راه تکامل و پیشرفت را کشف می‌کند و دین رهبری مسیر را بر عهده می‌گیرد و از آنجا که علم محصول و آفریده‌ی انسان است شایسته نیست انسان در برابر آن به سجده افتد و بدان تکیه کند و چون علم دائم در حال تغییر و تحول است هیچگاه نمی‌تواند به انسان آرامش حقیقی را اعطا کند لذا ثبات کامل و مطلق از طریق اتکای به موجود غیر مطلق و امر متغیر به دست نمی‌آید و تنها وجود مطلق که خداوند متعال است می‌تواند آرامش حقیقی را به انسان‌ها ببخشد.

(صدر، ۱۳۹۶، ج ۱: ۳۲۶)

#### ۴- حضور کارآمد و انسانی زن در جامعه و خانواده

امام موسی صدر در پاسخ به پرسشی ناظر به علت عقب ماندگی مسلمانان، یکی از عوامل مؤثر در عقب ماندگی تمدنی مسلمانان را حذف زنان از حضور در اجتماع و عرصه‌ی نقش آفرینی و سازندگی عنوان می‌کند و بر حضور زنان در جامعه جهت سازندگی و تمدن‌سازی تأکید می‌کند (صدر، ۱۳۹۶، ج ۲: ۴۴۸). از نظر ایشان جایگاه زن در اسلام بسیار مهم و حیاتی است. وی با استناد به آیه‌ی «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا» (روم: ۲۱) حقیقت و ذات زن و مرد را یکسان می‌داند و با استناد آیه‌ی «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً» (نسا: ۱) نقش زن را در تکوین طفل، جوهری و اساسی می‌داند و نه صرفاً ابزاری، و تداوم نسل پیامبر (ص) از فاطمه را تأییدی بر این ادعا می‌داند. از نظر صدر زن در اسلام از حقوق اقتصادی همانند مردان برخوردار است و آزاد است که هر شغلی که تمایل دارد و مفید برای جامعه است اختیار کند و کسی نمی‌تواند مانع وی شود. وی آیات «أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمُ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى» (آل عمران: ۱۹۵) و آیه‌ی «لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِمَّا اكْتَسَبْنَ» (نسا: ۳۲) را ناظر به رسمیت شناخته شدن حقوق اقتصادی زنان در جامعه اسلامی می‌داند از منظر حقوق سیاسی نیز وی با استناد به آیه‌ی «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَى أَنْ لَا يُسْرِكَنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيَنَّ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعُهُنَّ وَاسْتَعْفِفْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (ممتحنه: ۱۲) تأکید می‌کند که زنان از حق مشارکت سیاسی در حکومت برخوردارند. لذا از منظر امام موسی صدر برای حضور زنان در جامعه و مشارکت آن‌ها در پیشرفت و تمدن‌سازی محدودیتی وجود ندارد و زنان می‌توانند حضور مؤثر و کارآمد در جامعه داشته باشند و نقش آفرینی کنند. علامه طباطبایی نیز بر همین مسئله تأکید می‌کنند که مرد و زن هر دو انسان هستند و در کمالات انسانی تفاوتی ندارند و بنابراین زنان نیز باید دارای اراده‌ی تأثیرگذار در جامعه باشند (طباطبایی، ۱۳۳۸: ۱۱ و ۲۰).

با این وصف، امام موسی صدر بر این نظر است که مبنای حضور بانوان در اجتماع جنبه‌های انسانی و متعالی آن‌ها باید باشد و نه جنبه‌ی جنسی و زنانه. بنابراین از نظر صدر زن در جامعه صفات انسانی-اش را بروز می‌دهد و در عین حال به سازندگی جامعه و رشد استعدادهايش می‌پردازد و اینگونه

تابلویی هنری برای نگاه‌های مردان تنوع طلب نخواهد بود و همچنین نقش آفرینی اجتماعی خود را نیز دارد. از این رو حجاب نیز نه محدودیت زن، بلکه حافظ کرامت انسانی وی می‌باشد. ایشان در نقد تمدن مدرن غرب به این مسئله می‌پردازد که کرامت انسانی بانوان لگدمال شده است و ماهیت و حقیقت زن در دل فریبی و تحریک شهوت منحصر شده است. لذا انسانیت زن، انکار شده است. اما از نگاه اسلام، زن در جامعه باید بتواند به عنوان انسان حضور پیدا کند و نه فقط زن و جنس مؤنث. لذا باید اعضای را که زینت محسوب می‌شود بپوشاند تا در مواجهه‌ی با جامعه استعدادها، کمالات و فضایل انسانی‌اش معیار تأثیرگذاری‌اش باشد و نه جذابیت‌های ظاهری زنانه‌اش (صدر، ۱۴۰۱ ب: ۴۷ و ۷۶ و ۹۲) اینگونه استدلال پیرامون نقش زنان در جامعه که بدون استناد به آیات و روایات و فارغ از نگاه دینی خاص می‌باشد و با زبان انسانیت مطرح شده است حتی برای کسانی که مسلمان هم نیستند می‌تواند حجت باشد و باب گفتگو را باز کند و اندیشه تمدنی هم اساساً باید اینگونه باشد. لذا امام موسی صدر تأکید می‌کند که «حجاب در اسلام به منظور تحقیر زن یا حبس یا بزرگداشت و تمجید بیش از حد او صورت نگرفته است» (صدر، ۱۴۰۱ ب: ۱۲). وی در سخنرانی که در جمع فارغ التحصیلان دانشگاهی دختر دارد به صراحت می‌گوید که زنان مسلمان در شرایط حساس تاریخی که امت اسلامی با مرگ و زندگی دست و پنجه نرم می‌کند باید کارآمدی بیشتری داشته باشند و صرفاً به نقش مادری شایسته نباید اکتفا کنند و دو مسئولیت تمدنی و تاریخی برای زن مسلمان ترسیم می‌کند اول «مسئولیت ورود به میدان نبرد برای بقا در برابر دشمن صهیونیستی و دوم مسئولیت به چالش کشیدن همه‌ی دنیا از شرق و غرب برای حرکت در مسیری جدید» (صدر، ۱۴۰۱ ب: ۸۵ و ۸۶). در حقیقت امام موسی صدر زنان مسلمان را از دو راه افراط و تفریط بر حذر می‌دارد و راه سومی را پیش روی آنان قرار می‌دهد. از تفریط به معنی عزلت و پرده نشینی و عدم حضور مؤثر و کارآمد در جامعه و از افراط به معنای حضور بدون حیا و مراقبت در جامعه و تبدیل شدن زن به تابلویی هنری برای ارضای هوس مردان، الگوی سومی که امام موسی صدر پیش روی زنان مسلمان قرار می‌دهد در حقیقت الگویی است که دیدگاه‌های غرب و شرق را به چالش می‌کشد و راه جدیدی فرا روی بشریت قرار می‌دهد یعنی حضور کارآمد و مؤثر زنان در جامعه توأم با حفظ حیا و کرامت انسانی.

از طرفی دیگر امام موسی صدر بر نقش خانواده در تعالی جامعه تاکید می‌کند وی با نگاه فلسفی که دارد، خانواده را به مثابه ماده و جامعه را به مثابه صورت ترسیم می‌کند یعنی از ترکیب ماده یعنی خانواده‌ها صورت جدیدی یعنی جامعه شکل می‌گیرد لذا خانواده سنگ بنای استحکام و تعالی جامعه است و می‌گوید «اگر خانواده‌ها سست و ضعیف باشند، جامعه هم سست خواهد بود» (صدر، ۱۴۰۱ ب: ۶۰) و مسئولیت تحکیم خانواده بر عهده‌ی زن است.

وی با استناد به حدیث نبوی «هیچ بنایی در اسلام پایه گذاری نشده است که در نزد خداوند، محبوب‌تر از ازدواج باشد» تشکیل خانواده را که محصول ازدواج هست از محبوب‌ترین و مقدس‌ترین بناهای اسلامی می‌داند که حتی از مسجد هم بالاتر است و تضعیف خانواده را از تخریب مسجد ناپسندتر می‌داند، چرا که خانواده پایه و اساس جامعه و تمدن است. (صدر ۱۴۰۱ ب: ۶۱ و ۶۲)

وی در خانواده بر نقش تربیت فرزند که محور آن زن و مادر است تاکید ویژه دارد زیرا از نظر امام موسی صدر «تربیت کودک با رسالت انسان در زندگی برابری می‌کند، فرد از طریق تربیت فرزند خویش، نمونه‌ای از خود می‌سازد تا تحقق رسالت را بر عهده گیرد» (صدر ۱۴۰۱ ب: ۱۵۲) در حقیقت امام موسی صدر تربیت فرزند را نیز از دیدگاه تحقق رسالت تاریخی و تمدنی تحلیل می‌کند و نه صرفاً وظیفه‌ای فردی یا اجتماعی.

امام موسی صدر در تحلیل جهان امروز نسبت به گسست فکری و عاطفی بین نسل‌ها ابراز نگرانی می‌کند و این چالش را محصول تمدن مدرن غرب می‌داند زیرا که با تغییرات گسترده و سریعی که توسط پیشرفت علوم و ماده‌گرایی صورت می‌گیرد موجودیت انسان‌ها و خصوصاً جوانان دچار آشفته‌گی و دگرگونی می‌شود و نسل‌های نو را به پذیرفتن اندیشه گذشتگان و نارضایتی از آن‌ها و تکیه بر علم که یک امر نسبی است وا می‌دارد. (صدر، ۱۴۰۱ ب: ۱۶۲ و ۱۶۳)

وی ماده‌گرایی و نفی ماوراء الطبیعه را پایه‌ی شکل‌گیری تمدن جدید غرب می‌داند و معتقد است در چنین جوامعی ارتباط‌ها با انگیزه‌ی صرفاً مادی، نسبی و محدود و بر اساس منافع شکل می‌گیرد و این موجب می‌شود که انسان‌ها در جامعه غریب باشند و نسبت به یکدیگر احساس بیگانگی کنند. (صدر ۱۴۰۱ ب: ۲۳۵ و ۲۳۶) بدیهی است که با نفی اولویت معنویت و ارتباطات اخلاقی و انسان دوستانه

در جوامع، زندگی حالت ماشینی و بی روح خواهد داشت و انسان‌ها در رقابت برای کسب منفعت بیشتر از خود بیگانه خواهند شد. این تفکری است که نیچه آن را به صورت واضح بیان کرده است و معتقد است دیگر نباید نجات را در ملکوت جستجو کرد بلکه باید با قدرت علمی، انسان سلطان زمین و آسمان شود لذا به تعبیر برخی از اندیشمندان منتقد غرب در تمدن جدید دوره‌ی وحی به سر آمده است و عقلانیت حسابگرانه و استیلا جو آغاز شده است. (مددپور، ۱۳۸۸: ۲۳)

وی در نهایت راه علاج اصلی این گسست و آشفتگی نسل‌ها و جوامع را در ایمان به امر مطلق و با ثبات که خداوند است می‌داند و تربیت نسلی که اینگونه باشد را وظیفه‌ی مادران معرفی می‌کند. (صدر، ۱۴۰۱، ب، ص ۱۶۲ و ۱۶۳) امام موسی صدر در تعبیری خلاقانه و بدیع به مفهوم مادری مطلق اشاره می‌کند یعنی مادر با نهایت دلسوزی و ایثار و بخشنده‌گی تمام وجودش را وقف تعالی فرزندش کند، مادر در این عرصه در واقع مظهر جمال و جلال الهی خواهد بود و فرزند نیز خدا را در وجود مادر متبلور می‌یابد و اینگونه نسلی، ایمان به خدای مطلق و بی انتها را براحتی می‌پذیرد. (صدر، ۱۴۰۱، ب: ص ۱۴۸ و ۱۶۰) بدیهی است چنین نسلی مؤمن و متعهد رشد می‌کند و به وظایف خود در جامعه پای بند است بنابراین زنان با یفای نقش مادری مطلق و تحقق ایمان به ارزش‌های مطلق در نسل‌ها در حقیقت به انسجام اجتماعی جامعه که مقدمه‌ی تمدن‌سازی است خواهند پرداخت.

## ۵- عدالت

بی شک پی‌ریزی تمدن‌های بزرگ بدون برقراری عدالت میسر نیست. اگر تمدن را دستاوردهای مادی و معنوی بشر یا به تعبیر امام موسی صدر ترکیب مدنیت «مادی» و فرهنگ «معنوی» بدانیم، جامعه‌ای می‌تواند تمدن‌ساز باشد که تمام استعدادهای انسانی در آن بتوانند در فرصتی برابر شکوفا شوند و هر استعداد، جنبه‌ای از احیا و اعتلای تمدن را در عرصه‌های مورد نیاز بر عهده بگیرد و عدالت ضامن تحقق این شکوفایی استعدادها و ظرفیت‌های انسانی است، از طرف دیگر چنانچه در جامعه‌ای ظلم و نابرابری گسترش یابد استعدادهای بی‌شمار انسانی به هدر خواهد رفت و حاکمان ظالم و کم مایه که در اقلیت اند بر اکثریت مستعد غلبه خواهند یافت و این چنین جوامعی نه تنها روی تمدن و پیشرفت را نخواهند دید بلکه با استبداد و فساد روز به روز به سمت تباهی و انحطاط بیشتر حرکت خواهد کرد.

امام موسی صدر عدالت را یکی از پایه‌های ایدئولوژی اسلامی می‌داند و معتقد است جهان هستی بر مدار حق و عدالت استوار است و چنانچه انسان‌ها و جوامع در مسیر عدالت و حق حرکت کنند همسو با نظام هستی‌اند و در مسیر کامیابی و سعادت قدم برداشته‌اند (صدر، ۱۴۰۲: ۲۳۶). وی این اصل را به این آیه قرآن مستند می‌کند: «وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ؛ آسمان را برافروخت و ترازو را بر نهاد تا در ترازو تجاوز مکنید وزن کردن را به عدالت رعایت کنید و کم فروشی مکنید» (الرحمن، ۷ و ۸ و ۹). ایشان عدالتی که صرفاً در حوزه‌ی اعتقادات باشد بر نمی‌تابد و معتقد است که باور به عدالت باید امتداد اجتماعی پیدا کند و در عرصه‌ی اجتماع جلوه‌گر شود. وی با استناد به آیه‌ی «أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْإِيمَانِ فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ وَلَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْمُسْكِينِ؛ آیا کسی را که [روز] جزا را دروغ می‌خواند دیدی این همان کس است که یتیم را به سختی می‌راند و به خوراک دادن بینوا ترغیب نمی‌کند» (ماعون: ۱ و ۲ و ۳) و حدیث نبوی کسی که شب با شکم سیر بخوابد و همسایه‌اش گرسنه باشد به پروردگار و روز باز پسین ایمان نیاورده است، استدلال می‌کند و معتقد است باور به عدالتی که نتیجه‌ی آن در زندگی فردی و اجتماعی ظهور و بروز نیابد باور کاملی نیست. (صدر، ۱۴۰۲: ۲۳۹). اینگونه سطح تحلیل امام موسی صدر در حقیقت افق فکری اجتماعی و تمدنی وی را در جامعه نشان می‌دهد؛ زیرا ایشان به مباحث صرفاً ذهنی اکتفا نمی‌کند و اعتقادات اسلامی را به حوزه‌ی مباحث اجتماعی و اقتصادی وارد می‌کند، امام موسی صدر معتقد است که میهن و حتی فراتر از آن تاریخ با عدالت ساخته می‌شود (صدر، ۱۳۹۹: ۱۷۰). لذا «عدالت با همه‌ی ابعاد و لایه‌هایش مورد توجه امام موسی صدر است و در واقع پایه‌های همزیستی، همبستگی، ایجاد تمدن، تاریخ و پیشرفت را در یک جامعه رقم می‌زند» (لک‌زایی، ۱۳۹۷: ۱۹۶).

امام موسی صدر از اینکه عدالت اجتماعی و اقتصادی از ایدئولوژی اسلامی جدا شده باشد و به صورت انتزاعی تبیین شود ابراز ناخرسندی می‌کند و اساس چنین تفکری را مربوط به تمدن مدرن غرب می‌داند، تمدنی که رهبران آن آموزه‌های دینی و پذیرش حضور خدا در جامعه را مانع رسیدن به آزمندی‌ها و هواهای نفسانی خود می‌دانند. از این رو مفاهیم انسانی مبتنی بر اندیشه الهی را از صحنه‌ی زندگی حذف کردند تا بتوانند با آزادی مطلق و خیالی آسوده با استثمار و استعمار انسان‌ها و

جوامع به تولید و صنعت پردازند و به سود حداکثری برسند (صدر، ۱۴۰۲: ۲۴۹). این مباحث امام موسی صدر ناظر به اندیشه سکولاریسم و جدایی دین از عرصه‌های زندگی و عرفی سازی آن در تمدن مدرن غرب می‌باشد. بنابراین هر چند در بستر اندیشه‌ی تمدنی غرب مفاهیمی مانند عدالت، آزادی، حقوق بشر و... رونق دارد اما چون این مفاهیم در بستری منقطع از مبدأ و معاد تبیین می‌شوند، اصالت حقیقی ندارند بلکه مفاهیمی نسبی هستند که در ذیل مکاتبی مانند اصالت ماده و اصالت سود تعریف می‌شوند و بنابراین در نهایت قدرت و ثروت بر عدالت اولویت دارد. آیت الله خامنه‌ای در بیانی کوتاه و دقیق در همین راستا می‌فرماید: «در تجربه‌ی غربی، عدالت اجتماعی و حتی دموکراسی واقعی نیست» (خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۱۲/۱۹).

امام موسی صدر بر این باور است که عدالت درجات متفاوتی دارد و مانند بسیاری از اهداف دینی بیکران و نامتناهی است و در واقع عدالت هدف نهایی نیست بلکه وسیله‌ای است برای تکامل انسان‌ها لذا چون تکامل انسانی نامحدود است تلاش برای تحقق عدالت نیز لایتناهی است. برخی اندیشمندان معتقدند این نگاه امام موسی صدر نگاهی فلسفی است که متأثر از فلسفه متعالیه ملاصدرا می‌باشد (لک‌زایی، ۱۳۹۷: ۲۰۵). از این رو وی معتقد است عدالت در ابتدا از احساس فردی آغاز می‌شود و به تلاشی روز افزون و بی وقفه ارتقا می‌یابد در ادامه تلاش گروهی مردم و دولت ملی که مظهر جامعه است خواهد شد آنگاه عدالت هم، فراگیر خواهد شد و هم عمق خواهد یافت و در نهایت به برابری تمام افراد جامعه منجر خواهد شد و جامعه در تکاملی متعالی‌تر به همبستگی، ایثار و از خود گذشتگی می‌رسد (صدر، ۱۴۰۲: ۲۴۵). همانطور که ملاحظه می‌شود هدف از عدالت اسلامی در نهایت به تکامل رسیدن فرد «خودسازی» و تعالی جامعه «جامعه پردازی» است که در نهایت به «تمدن سازی» منجر خواهد شد.

## ۶- آزادی

مؤلفه مهم دیگری که امام موسی صدر بدان می‌پردازد و آن را برای تحقق جامعه و تمدن اسلامی لازم می‌داند آزادی می‌باشد، اگر اراده‌ی انسان‌ها را سازنده‌ی تاریخ و تمدن بدانیم بی تردید آزادی و عدالت در کنار یکدیگر منجر به شکوفایی استعدادها و هدایت اراده‌های انسانی در جهت پی‌ریزی تمدن

خواهد بود در همین راستا امام موسی صدر معتقد است «تنها قهرمان صحنه‌ی تاریخ انسان است، تنها اوست که تاریخ را می‌سازد، متحول می‌کند و به حرکت در می‌آورد» (صدر، ۱۴۰۱ الف: ۸۸) و لذا انسان با اراده توانمند و آزاد خویش تاریخ، جامعه و هستی را متحول می‌کند و در حقیقت تمدن را به وجود می‌آورد (لک‌زایی، ۱۳۹۷: ۱۵۷). امام موسی صدر آزادی را مبتنی بر کرامت انسانی تفسیر می‌کند و با استناد به فطرت الهی انسان‌ها که در قرآن بدان اشاره شده است آزادی را به معنای به رسمیت شناختن کرامت انسانی تعریف می‌کند و معتقد است تنها در جامعه‌ی آزاد است که توانایی‌ها، ظرفیت‌ها و موهبت‌های الهی انسان‌ها شکوفا خواهد شد و جامعه به تعالی خواهد رسید (صدر، ۱۴۰۱ ج: ۲۷).

پیرامون تعریف آزادی و حدود آن دیدگاه‌های متفاوتی مطرح شده است، برخی معتقدند که حد آزادی، عدم سلب آزادی دیگران است برخی حد آزادی را عدالت می‌دانند اما امام موسی صدر در تعریفی بدیع، آزادی را رهایی از دیگران و رهایی از نفس بیان می‌کند و اینگونه معتقد است که دیگر آزادی حد و مرزی ندارد؛ زیرا آزادی که با آزادی دیگران در تزامن باشد در واقع آزادی نیست بلکه بندگی نفس است لذا «صیانت از آزادی ممکن نیست مگر با آزادی، آزادی برخلاف آنچه می‌گویند، هرگز محدود شدنی و پایان یافتنی نیست در حقیقت آزادی کامل عین حق است، حقی است از جانب خدا و حدی بر آن نیست» (صدر، ۱۴۰۱ ج: ۲۷). لذا در حقیقت امام موسی صدر -برخلاف اندیشمندان غربی مانند منتسکیو که آزادی معنوی را نادیده می‌گیرند و آزادی را به معنای مجاز بودن انسان به هر کاری که قانون تعیین کرده است محدود می‌کنند- (مددپور، ۱۳۸۸: ۸۵). ترکیب آزادی معنوی و آزادی اجتماعی را توأمان به معنای آزادی واقعی می‌داند و اینگونه آزادی را مناسب برای شکوفایی و رشد استعدادها و توانایی‌های مادی و معنوی انسان‌ها می‌داند و سلب آزادی را تفرقه افکن و ویرانگر می‌داند که این سلب آزادی ناشی از عدم اعتقاد به کرامت انسان‌ها است.

امام موسی صدر تمدن غرب را منشأ اصلی سلب آزادی بشریت می‌داند و معتقد است در این تمدن پاسخ به نیازهای مادی و شهوات بر سایر نیازهای انسانی غلبه پیدا کرده است و بنابراین تمدن غرب در قالب‌های مختلفی از جمله استعمار، تروریسم فکری و نابالغ انگاشتن قدرت فکری دیگران، تحمیل مواضع بر سایر ملت‌ها و فشارهای اقتصادی و فرهنگی و... به نابودی توانایی‌های انسان‌ها که در واقع

نابودی آزادی است می‌پردازد و از طرفی دیگر با تبلیغات گسترده و القای نیازهای کاذب مادی به انسان‌ها، نیرو و توانایی آن‌ها را به خود مشغول می‌کند و آزادی و اختیار آن‌ها را در شکوفایی ظرفیت‌ها و استعدادهای معنوی‌شان محدود می‌کند (صدر، ۱۴۰۱ ج: ۱۸ و ۱۹ و ۲۰). فوکویاما اندیشمند معاصر آمریکایی در تعریف خود از لیبرالیسم آن را اعطای حق خود اختیاری در گفتار و اندیشه، اقتصاد و سیاست می‌داند اما در عین حال تأکید می‌کند که لیبرالیسم برای تحقق اهدافش نیازی به دین ندارد (فوکویاما، ۱۴۰۲: ۲۴ و ۲۵). هر چند افرادی مانند ژان ژاک روسو در تمدن غرب دغدغه‌ی آزادی انسان‌ها را در تعیین سرنوشت و نوع حکومت داشتند و جمله مشهور وی که «انسان، آزاد زاده شده است، اما همه جا در بند است» بیانگر این دغدغه بود و لذا با طرح مباحثی مانند «قرار داد اجتماعی» در این راستا قدم برداشتند و حق الهی پادشاهان در حکومت را به چالش کشیدند (لوکاس، ۱۳۶۸: ۲۲۲). اما در نهایت بدلیل غلبه‌ی مادی‌گرایی و منفعت طلبی و نفی نگاه الهی و معنوی خود نوع دیگری از استبداد مدرن و سلب آزادی به وجود آوردند.

امام موسی صدر در برابر نگاه مادی تمدن غرب به آزادی به ارانه دیدگاه اسلامی می‌پردازد. از نظر وی خداوند انسان را آزاد آفرید تا در مسیر علم و معرفت قدم بردارد و به اخلاق خداوندی متخلق شود وی در نگاهی عمیق حتی عبادت خداوند را نیز عین آزادی و آزادگی می‌داند و عبادت به معنای عبودیت و سرسپردگی را رد می‌کند و می‌گوید: «عبادت خداوند دقیقاً برابر است با آزادی، عبادت خداوند یعنی آزادی مطلق، هر اندازه در راه عبادت بیشتر گام نهی، آزادتر خواهی شد» (صدر، ۱۴۰۱ ج: ۳۹۹). وی در تحلیلی ادعای فوق را اینگونه مستدل می‌کند که هدف عبادت، تقرب به خداوند است و تقرب به خداوند به اندازه‌ی اتصاف به صفات الهی و تخلق به اخلاق خداوندی است و بر این اساس هر خدمتی به خلق یا نمازی و ... گامی است برای رهایی از قیود نفس و رسیدن به کمال و کمال آزادی است پس «اساس عبادت خداوند یعنی گام نهادن در مسیر علم و آزادی و عزت» (صدر، ۱۴۰۱ ج: ۳۴۳).

امام موسی صدر مبنای آزادی در اسلام را توحید می‌داند زیرا وقتی می‌گوییم «لا اله الا الله» خدایان زمینی که مانع آزادی و محدود کننده‌ی انسان‌ها هستند را نفی می‌کنیم، این بت‌ها هوای نفس، پول، مقام و یا مستکبرانی مانند فرعون و نمرود و.. هستند لذا وی می‌گوید «آغاز مسیر در انکار خدایان

زمینی، آغاز هسته‌ی مرکزی آزادی خواهی و اساس ایدئولوژی اسلام را تشکیل می‌دهد» (صدر، ۱۴۰۱، ج: ۱۱۶)

وی معتقد است دین اسلام همواره دعوت به آزادی و آزادی خواهی کرده است و رهبران دینی پیش رو مبارزه با خدایان زمینی و مستکبران تاریخ بوده‌اند و از حضرت موسی (ع) و جهاد او علیه فرعون و قارون از ابراهیم (ع) و مبارزه‌ی او با نمرود از مسیح (ع) و مبارزه‌ی وی با رباخواران و تا مبارزه‌ی امامان شیعه با خلفای ظلم نام می‌برد و در دوران معاصر نیز مبارزات سید جمال الدین اسد آبادی و علامه شرف الدین و شهید اول و ثانی و بسیاری دیگر از علمای اسلامی را تاییدی بر پیشگامی دین برای آزادی انسان‌ها می‌داند.

### نتیجه‌گیری

حضور مجاهدانه و عالمانه امام موسی صدر در لبنان منشأ تحولات بزرگی در لبنان و جهان اسلام گردید. وی از ابتدا با رویکردی تمدنی و با هدف احیا تمدن اسلامی به کنش‌گری و نظریه‌پردازی در جهان اسلام پرداخت. ایشان علاوه بر اینکه نقدهایی مبنایی بر تمدن مدرن غرب وارد می‌دانست معتقد بود که در اسلام ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های تمدن‌سازی وجود دارد و اسلام می‌تواند در آینده تمدنی نوین ایجاد کند. در این مقاله مؤلفه‌های تمدن‌ساز در اسلام از منظر امام موسی صدر را بیان نمودیم که عبارتند از:

الف) دین اسلام مبتنی بر فرهنگ متعالی حیات عقلانی را برای انسان به ارمغان می‌آورد و همانطور که در گذشته بر اساس همین فرهنگ غنی، تمدن اسلامی را به وجود آورده است در آینده نیز می‌تواند تمدن حقیقی انسانی مبتنی بر ارزش‌های الهی به وجود آورد؛ زیرا شریعت اسلامی در طول زمان‌های مختلف قابلیت پاسخگویی به سؤالات و نیازهای انسان را دارد.

ب) اخلاق و معنویت؛ آموزه‌های اخلاقی و روابط مبتنی بر معنویت چون بر پایه‌ی فطرت انسانی هستند منجر به انسجام اجتماعی خواهند شد. به ویژه در زمانی که در جامعه تفاوت‌های فکری وجود دارد چنین جامعه‌ای ظرفیت لازم برای تعالی، پیشرفت و در نهایت تمدن را خواهد داشت.

ج) علم به معنای کشف حقایق و قوانین هستی: امام موسی صدر معتقد بود که علم منبع و منشأ قدرت است و اسلام همواره در آموزه‌های قرآنی و روایی‌اش بر علم و دانش تأکید کرده است و علم هیچ تضادی با دین ندارد و این هر دو توأمان می‌توانند سعادت بشر را رقم بزنند. در واقع منشأ علم، انسان و منشأ تعالی انسان، دین است و تمدن مدرن غرب که بر علم بدون دین و معنویت بنا شده است نتوانسته است سعادت و آرامش حقیقی بشریت را تأمین کند.

د) حضور انسانی و کارآمد زنان در جامعه: امام موسی صدر یکی از دلایل عقب ماندگی مسلمانان را عدم حضور زنان در جامعه برای ایفای رسالت تاریخی و تمدنی خود و سازندگی جامعه می‌داند. وی با استناد به آیات قرآن بر ارزش انسانی برابر زن و مرد تأکید می‌کند و حقوق سیاسی، اقتصادی زنان را به رسمیت می‌شناسد البته امام موسی صدر معتقد است که حضور زنان در جامعه باید حضوری انسانی و نه جنسی باشد. بدین معنا که جنبه‌های زنانه‌ی آن‌ها نباید مورد سوء استفاده هوس بازان قرار بگیرد.

ه) عدالت: امام موسی صدر عدالت را یکی از پایه‌های ایدئولوژی اسلامی می‌داند و معتقد است جهان هستی بر مدار حق و عدالت استوار است و چنانچه انسان‌ها و جوامع در مسیر عدالت و حق حرکت کنند همسو با نظام هستی‌اند و در مسیر کامیابی و سعادت قدم برداشته‌اند. از نظر وی تحقق عدالت از اهداف الهی است برای تکامل انسان‌ها و چون تکامل انسان نامتناهی است لذا تلاش برای تحقق عدالت نیز لایتنهای است و این تلاش در نهایت به برابری تمام افراد جامعه منجر خواهد شد و جامعه در تکاملی متعالی‌تر به همبستگی، ایثار و از خود گذشتگی می‌رسد.

و) آزادی: امام موسی صدر آزادی را به معنای رهایی از دیگران و رهایی از نفس می‌داند و بر آزادی معنوی و آزادی اجتماعی توأمان تأکید می‌کند و حدی برای اینگونه از آزادی قائل نیست. وی اینگونه آزادی را به معنای حفظ کرامت انسان‌ها می‌داند و معتقد است تنها در جامعه‌ی آزاد است که توانایی‌ها، ظرفیت‌ها و موهبت‌های الهی انسان‌ها شکوفا خواهد شد و جامعه به تعالی و در نهایت تمدن خواهد رسید.

## کتابنامه

قرآن کریم.

- الویری، محسن؛ مهدی نژاد، سید رضا (زمستان ۱۳۹۲). «رابطه دین و تمدن در اندیشه مالک بن نبی»: تاریخ و تمدن اسلامی، سال ۹، شماره ۱۸، ص ۱۶۳-۱۹۱.
- بابایی، حبیب الله (تابستان ۱۴۰۱)، «شاخص‌های تمدن در دو رویکرد عرفی و قدسی»، پژوهش‌های تمدن نوین اسلامی، سال ۲، شماره ۳، ص ۳۳-۶۸.
- بابایی، حبیب الله (۱۳۹۳). کاوش‌های نظری در الهیات و تمدن، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- دورانت، ویلیام جیمز (۱۳۷۸). تاریخ تمدن، ترجمه گروه مترجمان، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ج ۱
- سارتون، جورج (۱۳۴۶). تاریخ علم، ترجمه احمد آرام، تهران، انتشارات امیر کبیر.
- سارتون، جورج (۱۳۸۸). گفتارهایی در تاریخ علم، ترجمه غلامحسین صدری افشار، تهران، نشر آریز.
- صدر، موسی (۱۳۹۶). گام به گام با امام، ترجمه‌ی گروه مترجمان، تهران، موسسه فرهنگی و تحقیقاتی امام موسی صدر، ج ۱ و ۲ و ۳.
- صدر، موسی (۱۳۹۹). سفرشهادت، ترجمه مهدی فرخیان؛ احمد ناظم، تهران، موسسه فرهنگی و تحقیقاتی امام موسی صدر.
- صدر، موسی (۱۴۰۲). رهیافت‌های اقتصادی اسلام، ترجمه مهدی فرخیان؛ احمد ناظم، تهران، موسسه فرهنگی و تحقیقاتی امام موسی صدر.
- صدر، موسی (۱۴۰۱). زن و چالش‌های جامعه، ترجمه‌ی گروه مترجمان، تهران، موسسه فرهنگی و تحقیقاتی امام موسی صدر.
- صدر، موسی (۱۴۰۱). نای ونی ترجمه، علی حجتی کرمانی، تهران، موسسه فرهنگی و تحقیقاتی امام موسی صدر.
- صدر، موسی (۱۴۰۱). ادیان در خدمت انسان، تهران، موسسه فرهنگی و تحقیقاتی امام موسی صدر.
- صدر، موسی (۱۴۰۰). دین در جهان امروز، ترجمه احمد ناظم؛ حمید رضا شریعتمداری، تهران، موسسه فرهنگی و تحقیقاتی امام موسی صدر.
- طباطبایی، سیدمحمد حسین (بهار ۱۳۳۸)، «زن در اسلام، مکتب تشیع»، پیش شماره، ص ۷-۲۰.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۴۰۲). لیبرالیسم و نارضایتی‌های آن، ترجمه‌ی مبین کرباسی، تهران، نگاه.

فوکویاما، فرانسیس؛ پیکارد، ریمن (تابستان ۱۳۸۰). ترجمه عزت الله فولادوند، «فوکویاما و پایان تاریخ»، نشریه بخارا، شماره ۱۹، ص ۷-۱۵.

گلشنی، مهدی (۱۴۰۰). علم و دین در افق جهان بینی توحیدی، تهران، دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی.

لوکاس، هنری (۱۳۶۸). تاریخ تمدن، ترجمه‌ی عبدالحسین آذرنگ، تهران، کیهان.  
 لک زایی، شریف (بهار و تابستان ۱۳۹۸). «علل ضعف تمدنی و عقب ماندگی جوامع اسلامی در اندیشه تمدنی امام موسی صدر»، مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، سال ۲، شماره ۳، ص ۳۱۳-۳۲۸.  
 لک زایی، شریف (بهار ۱۳۸۴). «فکر سیاسی امام موسی صدر»، علوم سیاسی، سال ۸، شماره ۳۱، ص ۱۸۱-۲۲۰.

لک زایی، شریف (پاییز و زمستان ۱۴۰۲). «چیستی تمدن غرب در آرا امام موسی صدر»، مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، سال ۶، شماره ۱۲، صص ۱-۲۴.  
 لک زایی، شریف (۱۳۹۷). درآمدی بر اندیشه سیاسی امام موسی صدر، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

نصر، سیدحسین (۱۳۷۹). انسان و طبیعت، ترجمه‌ی عبدالرحیم گواهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.  
 مددپور، محمد (۱۳۸۸ ش). درآمدی بر سیر تفکر معاصر، تهران، سوره‌ی مهر.  
 هانتینگتون، ساموئل پی (۱۳۹۶). نظریه برخورد تمدن‌ها هانتینگتون و نقدانش، ترجمه مجتبی امیری، تهران، اداره نشر وزارت خارجه.

یوکیچی، فوکوتساوا (۱۳۷۹). نظریه تمدن، ترجمه چنگیز پهلوان، تهران، نشر گيو.